البيعة للّه
البيعة للّه
نکته ها
البيعة للّه
البيعة للّه
البيعة للّه
البيعة للّه

ندبه‌ی نادم

نویسنده:

بنت الحسین

تاریخ:

۱۳۹۹/۱۲/۸

توجّه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

ندبه‌ی نادم

باز جمعه‌ای دیگر فرا رسید. روزی که نزد شیعیان، به امام مهدی علیه السلام منسوب شده است. جمعه؛ تنها روز در هفته است که با یاد و نام امام عصر و دعا برای ایشان سپری می‌شود. روزی که سال‌هاست همه منتظر ظهور مهدی در آن هستند و بر تابلوها و دیوارها و پشت ماشین‌ها نوشته‌اند: شاید این جمعه بیاید شاید...! قرائت دعای ندبه در صبح و بعد هم دعاهای عصر جمعه و آل یاسین و شرکت در مراسم دعاخوانی دسته‌جمعی و رساندن خود به هر قیمتی به مسجد جمکران هم قسمت دیگر ماجراست! اینکه تمام همّ و غم و ارادت خود به امامت را تنها به یک روز و به ساعاتی خاص و به دعایی خاص محدود کنی، خیلی راحت است! حدس می‌زنم کمتر کسی بوده که لحظه‌ای با خود اندیشیده باشد که واقعاً دلیل غیبت امام مهدی چیست؟ آیا گره غیبت با این دعاها و ندبه‌ها باز می‌شود؟ اگر این‌گونه است، پس چرا بعد از گذشت سال‌ها دعاخوانی و ریختن صدها و هزارها لیتر اشک، ظهور اتفاق نیفتاده است؟! عده‌ای پاسخ‌شان این است که چون دل‌مان

پاک نیست و بار گناهانمان زیاد است و از ته دل دعا نکردیم، خدا دعای ما را مستجاب نمی‌کند! عده‌ای هم پاسخ می‌دهند که غیبت خواست خداست و دعا و گریه‌ی ما فقط حال خودمان را بهتر می‌کند! جماعتی که دعاهای غیر معتبر با راویان مجهول و مضامین مغلوط می‌خوانند، در حالی که اگر با زبان خود دعا می‌کردند و حقیقت امور و تحقق ظهور را از خدا طلب می‌کردند، به اجابت نزدیک‌تر بود. کجایند آن‌هایی که در اشک‌ها و ناله‌های «أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَينُ أَيْنَ أَبْنَاءُ الْحُسَيْنِ» ندبه‌ی‌شان، تلنگری به دل‌شان بخورد که فرزند حسین مدت‌هاست منتظر «یاری» ماست، نه گریه و ناله‌ی ما که سودی برای او ندارد. ایشان یار می‌خواهد برای مصاف، نه گریه‌کن برای مزار. هر هفته در دعای ندبه ناله سر می‌دهید که: «أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَقَوَاعِدُ الْعِلْمِ»؛ «کجایند راهنمایان دین و ارکان علم؟» اما به خود نمی‌آیید که در نبود آن راهنمایان و کامل نبودن علم، باید برای آمدنشان کاری بکنید، نه آن که به دنبال عالمان فاسدی بروید که علم را به نفع خود تفسیر می‌کنند. می‌گویید: «أَيْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دَابِرِ الظَّلَمَةِ»؛ «کجاست آن‌که برای ریشه‌کن کردن ستمگران مهیّا گشته؟» اما باز هم به همان ستمگران روی می‌آورید و دست یاری و دوستی به سوی آنان دراز می‌کنید! هر جمعه می‌گویید: «أَيْنَ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ»؛ «کجاست آن‌که به او امید بسته شده تا اساس ظلم و عدوان را براندازد؟» اما با حاکم ظالم پیمان دوستی می‌بندید و اساس ظلم و عدوان را مستحکم می‌کنید! می‌گویید: «أَيْنَ الْمُتَخَيَّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ»؛ «کجاست آن برگزیده برای بازگرداندن دین و شریعت؟ کجاست آن آرزو شده برای احیای قرآن و حدود آن؟» اما مگر شما نیستید که هر روز بدعتی جدید و لطمه‌ای دیگر به دین وارد می‌کنید؟ شما که در نبود ولیّ خدا حدود خودساخته و نسبت‌داده‌شده به دین را اجرا می‌کنید و برای خود قضاوت می‌کنید، دیگر چه نیازی به قضاوت ولیّ خدا دارید؟! می‌گویید: «أَيْنَ طَامِسُ آثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ»؛ «کجاست آن‌که آثار انحراف و هواهای نفسانی را محو می‌کند؟» در حالی که هنوز مصمّم هستید بر پیروی از هواهای نفسانی خویش. عالم گرانقدر منصور هاشمی خراسانی در کتاب «بازگشت به اسلام» چقدر زیبا فرموده که از موانع شناخت آدمی، پیروی از خواهش‌ها و هواهای نفسانی است. می‌گویید: «أَيْنَ مُبِيدُ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَةِ»؛ «کجاست آن‌که سرکشان و سرپیچی‌کنندگان را نابود می‌کند؟» اما باور نمی‌کنید که همین متکبّرانی که آنان را امام و رهبر و ولیّ امر و رئیس و مرجع خود

قرار داده‌اید، از جمله‌ی سرکشان و سرپیچی‌کنندگان هستند و مهدی وقتی ظهور کند، آنان را هلاک می‌کند! فریاد می‌زنید: «أَيْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنَادِ وَالتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ»؛ «کجاست آن‌که مردم معاند (با حق) و گمراه‌کننده و ملحد را ریشه‌کن می‌کند؟» اما توجّه ندارید، همان‌هایی که حق را از این عالم دلسوز شنیدند و روی گرداندند و اهانت کردند، در رأس این گروه هستند و به دست مهدی از صحنه‌ی روزگار ریشه‌کن خواهند شد. می‌گویید: «أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ»؛ «کجاست آن‌که دوستان خدا را عزیز و دشمنان خدا را ذلیل می‌کند؟» ولی نمی‌دانید عالمی که خیرخواهانه به اسلام راستین دعوت و برای ظهور او زمینه‌سازی می‌کند را عزیز و دشمنان او را ذلیل خواهد کرد. می‌گویید: «أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ»؛ «کجاست آن‌که نشانه‌های دین و اهلش را زنده گرداند؟» اما خود راهی که برای بازگشت به اسلام ترسیم شده را طی نمی‌کنید و باور ندارید که مهدی اهل دینی را زنده خواهد کرد که شما قصد جانشان را دارید و برایشان خطر می‌آفرینید...

اکنون گوش جان بسپارید که بانگ جرس کاروان زمینه‌سازی برای ظهور مدت‌هاست که از مشرق به گوش می‌رسد و از حق‌جویان عدالت‌خواه می‌خواهد که با کاروان همراه شوند تا سعادت دنیا و آخرت را به دست آورند؛ کاروانی که ساروان آن فردی آگاه به دین و دلسوز نسبت به مردم است و ندا می‌دهد: «امروز که فرصتی دارید، دین خود را بردارید و بگریزید! اگر حق را با من یافتید به سوی من بیایید، اگر چه چهار دست و پا بر روی برف؛ چراکه من شما را به سوی مهدی رهنمون خواهم شد و اگر مرا نخواستید و خوش نداشتید که به سوی من بیایید، پس بروید و تا می‌توانید دور شوید، اگر چه دور نتوانید شد؛ چراکه به خدا سوگند، اگر در پشتِ ستارگان آسمان پنهان شوید، باز هم شما را می‌یابند و می‌آورند و رسوایتان می‌سازند؛ چرا که این کار چونانکه شما پنداشته‌اید، آسان نیست، بل گرفتاری و بلایی بس بزرگ است که پیر را بی‌تاب و جوان را بی‌خواب می‌کند!»[1].

در وجوب همکاری و پیوستن به خیل زمینه‌سازان ظهور، شکّی نیست؛ چراکه خداوند فرموده است: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾[2]؛ «به یکدیگر در نیکی و پرهیزکاری کمک کنید»

۱. گفتار ۱
۲. المائدة/ ۲

و روشن است که قیام به زمینه‌سازی برای ظهور مهدی علیه السلام مطابق با عقل و شرع، بزرگ‌ترین مصداق نیکوکاری و پرهیزکاری است و از این رو، کمک کردن به آن بر هر مسلمانی واجب است. پس ای ندبه‌خوانان! به خود آیید که فرصت‌ها مانند ابر در گذرند! امروز برای نجات خود از بلایا و فتنه‌های آخرالزمان تدبیر کنید. هر چه زودتر جهل و تقلید و تکبّر را کنار بگذارید و با زمینه‌سازان حقیقی ظهور که به دنبال برپایی حکومت مهدی‌اند و نه حکومت خود یا دیگران، همنوا شوید. شعارشان امر به معروف و راه‌شان راه راست است. رهبرشان عالمی هاشمی و خراسانی است که عزم‌اش را برای هدایت مردم جزم کرده، اما دریغا که در گوش‌های مردم پنبه است و بسیاری خود را به خواب زده‌اند.